

حسابداری در غرقاب

غلامحسین دوانی

تلاطم و شکست نظریه‌ی بازارهای خود انتظام، حرفه‌ی حسابداری را نیز زیر سؤال برده است. معمولاً وقتی در یک حادثه نخواهیم یا نتوانیم ریشه‌ی اصلی حادثه را بازشناسی کنیم به دنبال "مقصر، تقصیر و کی بود کی بود من نبودم" می‌گردیم. فاجعه‌ی سقوط بازارهای مالی جهان که ثمره‌ی اتخاذ سیاست‌های مالی - پولی غلط از دهه‌ی ۱۹۸۰ بود باعث شد در اقتصادهای پیشرفته نوزاد عجیب‌الخلقه‌ای به نام "ابزارهای مالی، مشتقات، یا تبدیل دیون به اوراق سپرده" متولد شود. اکثر سرمایه‌گذاران از ماهیت این نوزاد عجیب‌الخلقه با خبر نبودند. تولد این ابزارها و رشد و نمو آنها باعث صدور استانداردهای حسابداری خاص جهت ارزش‌گذاری و حسابداری این موجودات حبابی شد. امروزه همین استانداردها مورد هجوم نهادهایی قرار گرفته‌اند که خود در تولد این موجود عجیب‌الخلقه دست داشته‌اند.

بیچاره حسابداران و حساب‌برسان!

اگر واقعه‌ی انرون تلفیقی از تقلب و قصور حساب‌برسان بود بدون شک سقوط بازارهای مسکن و بازارهای مالی مولود تخلفات آشکار "مؤسسات رتبه‌بندی اعتباری" است. زیرا این مؤسسات نامبرده از یک طرف وظیفه‌ی رده‌بندی اوراق مشتقه و ابزارهای مالی را برعهده داشتند و از طرف دیگر خود بازارساز آنها از طریق اخذ حق الزحمه‌های گزاف بودند. این تضاد منافع عملاً به نفع حق الزحمه‌های آن چنانی و کمیسیون‌های وام‌های مسکن قرار گرفت و اطلاعات نادرست، غیرشفاف باعث اعطای میلیاردها دلار تسهیلات مالی به اشخاصی (حقیقی یا حقوقی) قرار گرفت که از نظر بانکی واجد شرایط نبودند. بدون شک حساب‌برسان بین‌المللی مؤسسات بانکی جهان هم در گزارش‌های خود سهل‌انگاری و قصور داشته‌اند که در شرایط رکود تورمی نیمه‌ی دوم سال ۲۰۰۷ آن چنان درگیر فعالیت‌های همزمان

حسابرسی و غیرحسابرسی به این مشتریان خاص شده بودند که عملاً انبوه وام‌های سررسید شده و سوخت شده را در محاسبات ذخایر شرکت‌های بیمه‌ای و بانکی نادیده انگاشتند! مثلاً یکی از مؤسسات حسابداری از بین مؤسسات موسوم به چهار مؤسسه‌ی بزرگ به مدت ۲۸ سال حساب‌برس شرکت فانی مه بود و همیشه گزارش مطلوب ارائه می‌کرد. در حالی که این شرکت به کرات در دهه‌ی گذشته به جرم تقلب و حساب‌سازی جریمه شده بود!!

شرایط حاد بحران جهانی مسئولیت‌های حسابداران رسمی را صد چندان نموده است به طوری که هرگونه غفلت، اشتباه یا قصور از طرف مؤسسات حسابرسی یا حسابداران رسمی می‌تواند اعتبار حرفه را مخدوش سازد. به ویژه آن که در وانفسای بحران هرکس کوشش می‌کند دیگری را مقصر معرفی کند. بررسی اجمالی گزارش‌های حسابرسی مؤسسات بیمه‌ای و بانک‌های ورشکست شده به ویژه بانک لهمان برادرز و مؤسسات فانی مه و فردی مک و بیمه‌ی آی آی جی نشان می‌دهد که مشکلات اساسی در گزارش‌های حسابرسی این بنگاه‌های اقتصادی بوده است. به طوری که پرونده‌ی هر چهار مؤسسه‌ی بزرگ حسابرسی جهان و مؤسسه‌ی حسابرسی بی دو او در دادگاه‌های خاصی مفتوح و در حال رسیدگی است. به علاوه، متأسفانه یکی از این مؤسسات عملاً نقش "مشاور" را در تقلبات شرکت فانی مه و



روشن سازند که در غیر این صورت هزینه‌ی عدم تصمیم‌گیری آن‌ها سنگین خواهد بود.

نکته‌ای که باید مدنظر حساب‌برسان قرار گیرد تغییر ترکیب بازیگران سرمایه و ورود عناصر حرفه‌ای به ویژه متخصصین برآوردهای ریاضی و ریسک و معادلات پیچیده در بازار است که می‌توانند با رمل و اسطرلاب موجبات گمراهی حساب‌برسان را نیز فراهم نمایند. در واقع خلق ابزارهای مالی و فرمول‌های "فقط بهره" و "بدون پیش‌قسط" از اختراعات همین گروه افراد بود که باعث می‌شد سرمایه‌گذاران با خرید این ابزارها به شرط‌بندی روی امکان قصور شرکت‌ها در بازپرداخت وام بپردازند، این امر عملاً باعث شد شرکت بیمه‌ای ای‌آی‌جی به علت قرار داشتن در ضریب ریسکی بسیار بالا در حوزه‌ی مقررات‌گذاری نشده و تنظیم نشده‌ی معاوضه‌ی ریسک اعتباری سقوط کند.

سخن آخر این که سرمایه‌داری جهانی ممکن است به حباب سوداگرانه‌ی دیگری دست یازد و خود را از بحران فعلی برهاند و تا بحران بعدی حفظ کند. اما سؤال اصلی این است. حساب‌برسان چه کنند که در غرقاب این بحران‌ها غرق نشوند؟

فردی مک داشته است. مدیران شرکت‌های مذکور مدعی شده‌اند که حساب‌سازی‌های انجام شده با مشورت مؤسسه‌ی حسابرسی ذی‌ربط بوده است. جالب این که امروز شرکت‌ها بر علیه همین حساب‌برسان اعلام جرم کرده‌اند!

موضوع حسابداری و حسابرسی درس‌های آموزشی خوبی به همراه دارد که نخستین درس ارزنده‌ی آن "اعتماد عمومی به حساب‌برسان" است. این روزها در بازار سرمایه‌ی امریکا شعار "حساب‌برسان کجا بودند" و "پس بورس چه کار می‌کرد" به ویژه پس از بازداشت آقای مدوف کلاهبردار پنجاه میلیارد دلاری که اساساً شرکت سایه و کاغذی تشکیل داده بود مرتباً تکرار می‌شود. به رغم ادله‌ی اثبات شده که عامل بحران سیاسی و ناشی از سیاست‌های نادرست پولی و مالی بانک مرکزی و خزانه‌داری به تبع دکترین ریگان بوده است اما قصور حساب‌برسان باعث شده است که لبه‌ی تیغ انتقادها نیز به حرفه کشیده شود. حسابداران رسمی و به ویژه مؤسسات حسابرسی عهده‌دار حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس باید با اتخاذ یک سیاست همگون در مورد برخورد‌های قضائتی نسبت به کاهش ارزش سرمایه‌گذاری‌ها و ترازنامه‌ی ناروشن برخی از شرکت‌ها خود را از گزند حوادث بعدی مصون کنند. و مرجع استاندارددگذار و جامعه‌ی حسابداران رسمی نیز باید در چنین شرایط بحرانی خاص با صدور رهنمود خاص تکلیف پدیده‌ی متداوم کاهش ارزش را

این روزها در بازار سرمایه‌ی امریکا شعار حساب‌برسان کجا بودند و پس بورس چه کار می‌کرد به ویژه پس از بازداشت آقای مدوف کلاهبردار پنجاه میلیارد دلاری که اساساً شرکت سایه و کاغذی تشکیل داده بود مرتباً تکرار می‌شود